فصلنامه علمی- پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری www.Iueam.ir
سال پنجم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، صفحات ۶۵-۴۹، زمستان ۱۳۹۵
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، SID، Noormags، Magiran، Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰

# تحلیل نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توازن و توسعه منطقه‌ای (مورد مطالعه: غرب کلان‌منطقه زاگرس)

**اسماعیل علی‌اکبری*** استاد جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران
**مصطفی طالشی** دانشیار جغرافیا، دانشگاه پیام نور، ایران
**محمد فرجی دارابخانی** استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، ایران

**دریافت: ۹۴/۰۹/۲۸ پذیرش: ۹۴/۱۲/۲۲**

**چکیده:** نحوه استقرار جمعیت و فعالیت در فضا که در ادبیات توسعه با عنوان آمایش سرزمین از آن یاد می‌شود، عامل اصلی توازن و توسعه در مقیاس ملی و منطقه‌ای است. این مقاله با هدف ارزیابی سیاست شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای، جایگاه شهرهای کوچک غرب کلان‌منطقه زاگرس را در توزیع جمعیت و تولید اشتغال مطالعه کرده است. روش مقاله، توصیفی- تحلیلی مبتنی بر داده‌های اسنادی است که در نرم‌افزارهای GIS و EXCEL، تحلیل کیفی شده‌اند. نتایج نشان دادند توزیع ظرفیت‌های جمعیتی و فرصت‌های اشتغال بین طبقات شهری، نامتعادل و در جهت خلاف توازن منطقه‌ای در جریان است. معدود شهرهای بزرگ و میانی (۹ درصد شهرها)، ۶۸ درصد جمعیت و شبکه شهرهای کوچک و روستا- شهرها که ۹۱ درصد نقاط شهری را تشکیل می‌دهند، تنها ۳۲ درصد جمعیت شهرنشین را در خود اسکان داده‌اند. ساختار فضایی اشتغال شهری نیز با عدم‌تعادل مواجه است؛ در نتیجه، نظام شهرنشینی منطقه، با حداکثر تمرکز جمعیت و فعالیت، زیرساخت‌ها و انواع ظرفیت‌های اشتغال با تسلط بخش خدمات و صنعت در شهرهای بزرگ و میانی و در مقابل، حداکثر پراکندگی در بخش اعظم منطقه و شهرهای کوچک آن روبه‌رو است. اگرچه سیاست‌های توسعه منطقه‌ای، بر رویکرد شهرهای کوچک تأکید دارند، اما تحولات شهرنشینی منطقه برخلاف سیاست‌های فوق، موجب تمرکزگرایی و سلطه سطوح بالای نظام شهری می‌شوند و به نقش شهرهای کوچک در کاهش نابرابری و ایجاد توسعه و توازن منطقه‌ای، کمتر توجه شده است.

**واژگان کلیدی:** نظام شهری، ساختار جمعیت و اشتغال، توسعه و توازن منطقه‌ای، شهرهای کوچک، غرب کلان‌منطقه زاگرس

**طبقه‌بندی JEL:** P25, R11, N75, R13

* مسئول مکاتبات: aliakbariesmaeil@yahoo.com

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

**۱- مقدمه**

در هر کشوری، توجه برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها به نفع لایه‌های بالای نظام شهری و غافل شدن از نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک و سلسله‌مراتب پایین سکونتگاهی، علاوه‌بر توزیع نامتوازن و غیرعادلانه فعالیت‌های اقتصادی، موجب پراکنش نابرابر جمعیت در سطوح ملی و منطقه‌ای می‌شود که امروزه، یکی از مشکلات دولت‌ها در سازماندهی ساختار فضایی مطلوب ملی و از موانع مهم توسعه اقتصادی- اجتماعی می‌باشد. حوزه‌های اشتغال‌زا و پرتوان (قطب‌های متمرکز)، با جذب نیروی کار بیشتر و حوزه‌های پیرامونی بی‌رونق و کم‌توان که منطبق با شهرهای کوچک و حوزه‌های روستایی می‌باشند، با دفع نیروی کار و جمعیت مواجه هستند.

در نظام شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس، از بعد جمعیتی و اقتصادی، برخی ناهمگونی‌ها وجود دارد؛ چنان‌که توزیع فضایی جمعیت شهری، فعالیت‌های اقتصادی، امکانات زیربنایی، سهم اشتغال و تولید شهرها و طبقات شهری، ناموزون می‌باشد و نیز تا حدی عدم‌تعادل‌های بخشی (بین بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات) و منطقه‌ای (فضاهای حاشیه‌ای و قطب‌های توسعه)، بر آن سایه افکنده است.

این منطقه تقریباً از دهه ۳۰، الگوی جدیدی از شهر، شهرنشینی شتابان و توسعه شهری با نقش‌آفرینی دولت را تجربه کرده که به موجب آن، تغییرات جمعیتی و اقتصادی زیادی را شاهد بوده است (فرجی دارابخانی، ۱۳۸۴)؛ به طوری‌که ضریب شهرنشینی آن از ۳۷/۸ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۶۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و نقش اقتصادی شهرها بر مبنای خدمات، شکل گرفته است (مرکز آمار ایران، ۹۰- ۱۳۵۵).

حرکت مکانی جمعیت که در الگوی استقرار جمعیت مؤثر است، واکنشی به عدم‌توازن و ناهماهنگی کارکردها و ساختارهای اجتماعی- اقتصادی می‌باشد و علت اصلی آن، توزیع نامتعادل امکانات و فرصت‌ها در راستای تأمین نیازهای اساسی تمام نقاط جغرافیایی است (توفیق، ۱۳۷۱). عملکرد و موجودیت شهر به‌عنوان پدیده‌ای پویا، در تحرک و پویایی شاخص جمعیتی آن ظاهر می‌شود (علی‌اکبری، ۱۳۹۰). جمعیت بر عملکرد اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد و در عین حال از سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد (فتحی، ۱۳۸۱). برقراری رابطه منطقی بین جمعیت، فعالیت و توسعه، باعث توسعه هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و اعتلای سطح زندگی می‌شود (ساعی ارسی، ۱۳۸۹). از این رو شهرهای کوچک، از موفق‌ترین نمونه‌های سکونتگاهی در راستای رفع ناموزونی‌های منطقه‌ای و نابرابری‌های فضایی هستند (Blowers, 2013)؛ زیرا اغلب توانسته‌اند حلقه اتصال سطوح پایین با سطوح میانی و بالای نظام سکونتگاهی باشند و در کاهش عدم‌تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط و جهت‌دهی مثبت به تحرکات جمعیت روستایی، سهم و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهند.

به‌طور کلی هدف این پژوهش، ساختارشناسی شهرنشینی، فضایی و اقتصادی (اشتغال) کلان‌منطقه غرب زاگرس، به منظور دستیابی به راهکارها و راهبردهای جدید توسعه متوازن شهری- منطقه‌ای بر پایه شهرهای کوچک آن می‌باشد.

از این رو، سؤالات تحقیق عبارتند از:

۱- آیا نظام شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس و ظرفیت‌سازی اشتغال و فعالیت شهری آن، از توازن و تعادل برخوردار است؟

۲- آیا شهرهای کوچک منطقه، از نظر جمعیتی، اقتصادی و ظرفیت‌سازی اشتغال و فعالیت، عملکرد موفقی در توازن‌بخشی نظام شهرنشینی و اقتصادی آن داشته‌اند؟

**۲- پیشینه تحقیق**

**الف) پژوهش‌های خارجی**

هیندریک و تیتوس[1] (۲۰۰۲) در تحقیقی بیان کردند که نظریات مختلفی، سهم قابل توجه شهرهای

1- Hinderink and Titus

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

کوچک در راستای گسترش مدرنیزاسیون، تأثیر بر توسعه مناطق روستایی، ایفای نقش به‌عنوان مراکز خدمات‌رسانی و جلوگیری از مهاجرت‌های روستایی به شهرهای بزرگ را تأیید کرده‌اند.

سلیمان[1] (۲۰۰۴) در مقاله‌ای به این نتیجه رسید که زیرساخت‌ها و خدمات، سنگ‌بنای توسعه منطقه‌ای هستند و نیز بر نقش سرمایه‌گذاری‌های دولت در توسعه شهری تأکید کرده است.

تاکلی[2] (۲۰۰۴) در مقاله‌ای نتیجه گرفت که کشاورزی پررونق می‌تواند زیربنای توسعه شهرهای کوچک محلی باشد. تنوع منابع درآمدی به طور فزاینده‌ای برای شهرهای کوچک و روستاها مهم است و فعالیت‌های غیرکشاورزی اطراف شهرهای کوچک که مستلزم رفت‌وآمد روستاییان به شهرهای کوچک می‌باشد، احتمال بیشتری برای تحریک رشد اقتصادی منطقه دارند.

کاماندا[3] (۲۰۰۷) با مطالعه شهرهای کوچک آمریکای جنوبی نتیجه گرفت که توسعه و تقویت شهرهای کوچک، منجر به ایجاد اشتغال، تمرکززدایی و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای شده است.

لیو و کامپبل[4] (۲۰۰۹) در مقاله‌ای، درک پویایی‌های اکولوژیکی و اقتصادی سیستم‌های کشاورزی در شهرهای پیشرو کوچک چین را حائز اهمیت دانسته و توسعه صنعتی و کشاورزی شهرهای کوچک که برای بهره‌برداری کامل از نیروی کار مازاد روستایی چین مورد استفاده قرار می‌گیرد را استراتژی اصلی مدیریت زیست‌محیطی آن برشمرده‌اند.

مرکز توسعه اقتصاد روستایی[5] (۲۰۰۶) در تحقیقی، اهداف طرح شهرهای کوچک را تحریک سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال در شهرهای کوچک توسط منابع داخلی و خارجی و تشویق شهرهای کوچک به ارتباط فعالانه اقتصادی با طیف گسترده‌ای از سکونتگاه‌های منطقه‌ای، بر شمرده است.

کیوآتک- سولتی[6] (۲۰۱۱) در تحقیقی، موانع و عوامل رشد شهرهای کوچک لهستان را بررسی کرد و اذعان داشت که فرصت توسعه کشور بستگی به وضعیت شهرهای کوچک دارد. وی توسعه‌یافتگی شهرهای کوچک را منوط به اقتصاد گردشگری، تفریح و استراحتگاه، زیرساخت‌های فنی توسعه‌یافته (عمدتاً مسکن)، بهداشت، آموزش، نقش فرهنگی، مجاورت با شهرهای بزرگ، فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی عام‌المنفعه دولت با تغییرات فضایی و تغییر در بازار محلی دانسته است.

**ب) پژوهش‌های داخلی**

خداداد و همکارانش (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی نقش شهرهای کوچک در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در استان گلستان، با روش توصیفی- تحلیلی و پیمایشی پرداختند. نتایج به دست آمده از مدل آنتروپی نشان دادند که شهرهای کوچک در محدوده مورد مطالعه، باعث تعادل جمعیتی در منطقه گرگان شده است. همچنین نتایج حاصل از روش رگرسیون چندمتغیره نشان‌دهنده سیر نزولی بخش کشاورزی و سیر صعودی بخش خدمات در شهرهای کوچک می‌باشند.

روستایی و باقری (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای، به بررسی عملکرد شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای بخش مرکزی شهرستان رزن پرداختند. در این مطالعه از مدل ضریب ویژگی، ضریب مرکزیت، ضریب کشش‌پذیری، روش تحلیل عاملی و مدل تاکسونومی عددی، استفاده شده است. نتایج نشان دادند که شهر رزن از نظر شاخص‌های توسعه شهری و تنوع کارکردی، توسعه‌یافته شده و روابط جدید و پایداری بین سکونتگاه‌های منطقه به وجود آمده و همچنین باعث سازماندهی فضایی منطقه شده است.

محمدزاده (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی وضعیت شهرهای کوچک در سلسله‌مراتب شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵ پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان دادند که تعداد شهرهای کوچک طی دوره مورد

1- Soliman
2- Tacoli
3- Kamanda
4- Lu and Campbell
5- Rural Economic Development Center
6- Kwiatek-Sołtys

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]
[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

مطالعه، ۵/۵ برابر شده است. همچنین نتایج ضریب آنتروپی نشان دادند که شهرهای کوچک، نقش مهمی در افزایش ضریب آنتروپی و جلوگیری از تمرکزگرایی در شبکه شهری ایران دارد.

نظریان (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای، نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ملی را بررسی کرد و به این نتیجه دست یافت که تقویت شهرهای کوچک در ایجاد تعادل و توسعه منطقه‌ای، ضروری است.

فنی (۱۳۸۲) در تحقیقی نتیجه گرفت که شهرهای کوچک، حلقه‌های مهمی برای جلوگیری از تمرکزگرایی شبکه شهری و نیز عامل مهمی در توزیع متعادل جمعیت و فعالیت منطقه هستند.

## ۳- مبانی نظری

ایجاد توازن و تعادل در الگوی استقرار جمعیت و فعالیت، به سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه ملی و شهری، کانون‌های زیستی و گرایش‌های مهاجرتی بستگی دارد (ارجمندنیا، ۱۳۷۰).

به نظر فریدمن[1]، رشد اقتصادی به پیدایش یک سلسله‌مراتب پیوسته به یکدیگر و توسعه‌یافته از نظر کارکردی شهرها مربوط است. لذا وی برای تشویق رشد یکپارچه، سلسله‌مراتبی از شهرها را برای یکپارچه کردن پیرامون با مرکز تبلیغ مؤثر می‌داند و همزمان به مراکز رشدیابنده صنعتی و ساخت مناسب شهری توجه دارد (اجلالی، ۱۳۷۱).

براساس نظریه ناپیوستگی میردال[2]، برای تأمین عدالت اجتماعی و یکپارچگی فضایی در اقتصاد ملی باید از اثرات انتشار تدریجی رشد استفاده کرد. وی تقویت شهرهای متوسط یا کوچکتری که قابلیت پذیرش نقش القای توسعه به حوزه پیرامونی خود دارند را تعادل‌بخش می‌داند.

هیلهورست[3] (۱۳۷۰) براساس نظریه توسعه فضایی معتقد است یک منطقه حاشیه‌ای تا زمانی که مورد علاقه مرکز واقع نشود، همچنان توسعه‌نیافته باقی می‌ماند. وی برای از بین بردن دوگانگی درون‌منطقه‌ای، میان‌منطقه‌ای و بخشی، متناسب با شرایط سلسله‌مراتبی و برخورداری سکونتگاه‌ها، چهار استراتژی متفاوت را مطرح کرده که در استراتژی‌های انسجام پراکنده و گسترش متمرکز، مستقیماً تقویت مراکز درجه دو در اطراف مرکز منطقه و مراکز درجه سه در اطراف مرز منطقه را راه‌حل مسائل و مشکلات می‌داند.

داگلاس[4] برمبنای الگوی شبکه منطقه‌ای[5] معتقد است سرمایه‌گذاری هم‌زمان در فضای شهری و روستایی، به دلیل پیوندهای متقابل می‌تواند به شکوفا شدن پتانسیل‌های رشد اقتصادی شهر و پیرامون کمک کند (تقی‌زاده، ۱۳۸۳).

طرفداران نظریه نقش توسعه‌ای شهرهای کوچک، و نیز ایده توسعه یکپارچه معتقدند با فراهم آوردن زمینه رشد و توسعه این شهرها در چارچوب کل نظام شبکه شهری، به ویژه از حیث جمعیتی می‌توانند در کاهش عدم‌تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیتی شهرهای بزرگ و متوسط و جهت‌دهی مثبت به تحرکات جمعیت روستایی، سهم و جایگاهی را به خود اختصاص دهند و سیستم سکونتگاهی کشور را متعادل و متوازن کنند (فنی، ۱۳۸۲).

همچنین پیر ژرژ[6] (۱۹۶۱)، نقش و کارکرد شهری را با تکیه بر اهرم سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر شهرها، ارزیابی و در مقیاس کشوری، نقش شهرها را در پنج گروه به شرح زیر، رده‌بندی کرد: در کشورهای کم رشد، شهرها مرکز روابط بازرگانی و بازارهای محلی هستند. در کشورهای ماوراءبحار، شهرها جلوه‌گاه اقتصاد استعماری، مرکز امور اداری، بازرگانی و انبار و توزیع کالا هستند. در برخی از کشورهای با

1- Friedman
2- Myrdal

3- Hilhorest
4- Douglass
5- The Pattern Of Regional Networks
6- Pierre Georges

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]
[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

اقتصاد سرمایه‌داری، نقش اداری و بازرگانی شهرها ممتاز می‌باشد و نقش صنعتی، تابع آنهاست.

در بررسی‌های کلاسیک در قلمرو شناخت کار و نقش شهرها نیز روش اجرایی گارنیه و شابو[1]، به ترکیب مشاغل شهری در بطن عناوین زیر می‌نگرد:

گروه اول مشاغل اجتماعی: کشاورزی (جنگلبانی، صید ماهی و استخراج معدن)، گروه دوم مشاغل اجتماعی: صنعت (صنایع و ساختمان) و گروه سوم مشاغل اجتماعی: نیروی انسانی جذب شده در بازرگانی، خدمات و کلیه مشاغلی که در دو گروه اول نمی‌گنجند. همچنین علاوه‌بر نیروهای سه‌گانه فوق، وظایف چندنقشی، بازرگانی، خدماتی شدید و صنعتی ناب را نیز در نظر دارد و برای تعیین نقش شهرها، به وسیله یک دیاگرام، روند تغییرات نقش شهرها و گرایش شهر به سوی نقشی خاص را نیز نمایش می‌دهد. با کمک این روش می‌توان تأثیر برنامه‌های توسعه و عمران را در اقتصاد شهرها و نواحی ارزیابی کرد (فرید، ۱۳۹۰).

## ۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی- تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای براساس نتایج تفصیلی سرشماری‌ها، برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات، در تحلیل فضایی از نرم‌افزار GIS، از تجزیه‌وتحلیل کمی، کیفی و فضایی، در تحلیل اقتصادی، از مدل اجرایی شابو و گارنیه و در ترسیم نمودارها، از Excel استفاده شده است. همچنین تحولات جمعیتی و نظام شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس (۷۵ شهر) را در قالب چهار طبقه شهری: بزرگ، میانی، کوچک و روستا- شهر در دوره ۳۵ ساله (۱۳۹۰-۱۳۵۵) بررسی کرده و با تأکید بر نقش شهرهای کوچک، اثرات این تحولات بر توازن یا ناموزونی نظام شهری و اقتصاد شهری منطقه را مطالعه کرده است.

**موقعیت جغرافیایی (محدوده مکانی تحقیق)**

منطقه مطالعاتی، شامل بخش غربی کلان‌منطقه زاگرس است که از شمال، استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام را دربر دارد (نقشه ۱). همچنین از شمال با استان‌های آذربایجان‌غربی و بخشی از زنجان، از شرق با استان‌های زنجان، همدان، لرستان و بخشی از خوزستان و از جنوب با استان خوزستان، هم‌مرز است. از سمت غرب نیز بالغ بر ۹۰۰ کیلومتر، کاملاً با کشور عراق مرز مشترک دارد (بختیاری، ۱۳۷۸).

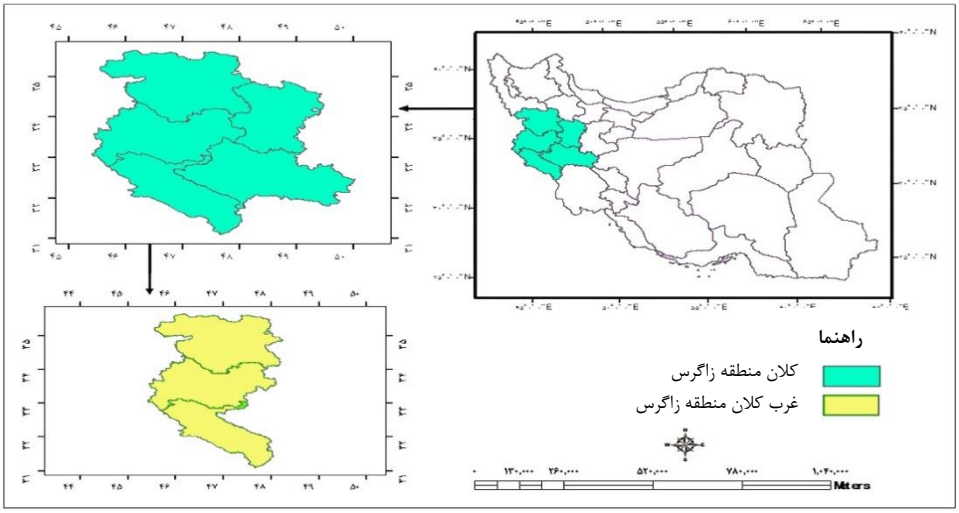


**نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی غرب کلان منطقه زاگرس**

**منبع: (سازمان نقشه‌برداری کشور، فایل نقشه ماهواره‌ای یکپارچه کشور ایران در فرمت GIS، ۱۳۹۴)**

1- Garnier and Ghabot

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

**۵- یافته‌های تحقیق**

برای درک بهتر مسئله تحقیق، یافته‌ها در سه بخش روند بارگذاری و تحولات جمعیتی، تغییرات ضریب شهرنشینی و ساختارشناسی نظام اشتغال و فعالیت شهری منطقه، ارائه شده‌اند.

براساس سرشماری سال ۱۳۹۰، غرب کلان‌منطقه زاگرس دارای ۷۵ شهر با بیش از ۲/۷ میلیون نفر جمعیت شهرنشین می‌باشد که از این میزان دو شهر با ۴۵/۴ درصد در طبقه شهری بزرگ، پنج شهر با ۲۲/۳ درصد در طبقه میانی، ۳۰ شهر با ۲۹ درصد در طبقه شهری کوچک و ۳۸ شهر با ۳/۲ درصد در طبقه روستا- شهرهای کمتر از پنج هزار نفر قرار دارد. این منطقه، ۵ درصد جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده است (جدول ۱).

**جدول ۱- روند بارگذاری و تغییرات جمعیتی طبقات شهری غرب کلان منطقه زاگرس در سال‌های ۹۰-۱۳۵۵**

| سال | طبقه شهری | بزرگ | میانی | کوچک | روستا- شهر | جمع |
|---|---|---|---|---|---|---|
| | معیار جمعیتی/ نفر | ۱۰۰۰۰۰۰ - ۲۵۰۰۰۱ | ۲۵۰۰۰۰ - ۷۵۰۰۱ | ۷۵۰۰۰ - ۵۰۰۰ | کمتر از ۵۰۰۰ | |
| ۱۳۵۵ | تعداد | ۱ | ۱ | ۱۹ | ۵ | ۲۶ |
| | درصد | ۳/۸۴ | ۳/۸۴ | ۷۳/۰۷ | ۱۹/۲۳ | ۱۰۰ |
| | جمعیت | ۲۹۷۳۱۵ | ۹۵۸۷۲ | ۳۰۸۷۴۴ | ۱۵۳۵۳ | ۷۱۷۲۸۴ |
| | درصد | ۴۱/۴۵ | ۱۳/۳۶ | ۴۳/۰۴ | ۲/۱۴ | ۱۰۰ |
| ۱۳۶۵ | تعداد | ۱ | ۳ | ۲۰ | ۱۳ | ۳۷ |
| | درصد | ۲/۷ | ۸/۱ | ۵۴/۰۵ | ۳۵/۱۳ | ۱۰۰ |
| | جمعیت | ۵۶۰۵۱۴ | ۳۷۴۹۲۳ | ۴۹۳۱۳۱ | ۱۹۰۱۴ | ۱۴۴۷۵۸۲ |
| | درصد | ۳۸/۷۲ | ۲۵/۹ | ۳۴/۰۶ | ۱/۳۱ | ۱۰۰ |
| | رشد | ۶/۵۴ | ۹/۵۷ | ۹/۰۳ | ۲/۴۸ | ۷/۲ |
| ۱۳۷۰ | تعداد | ۱ | ۴ | ۲۸ | ۶ | ۳۹ |
| | درصد | ۲/۵۶ | ۱۰/۲۵ | ۷۱/۸ | ۱۵/۳۸ | ۱۰۰ |
| | جمعیت | ۶۲۴۰۸۴ | ۵۳۶۶۱۸ | ۵۸۹۴۹۲ | ۱۲۵۰۸ | ۱۷۶۲۷۰۲ |
| | درصد | ۳۵/۴ | ۳۰/۴۴ | ۳۳/۴۴ | ۰/۷ | ۱۰۰ |
| | رشد | ۲/۱۷ | ۳/۵۳ | ۴/۵۱ | ۳/۳۲ | ۴ |
| ۱۳۷۵ | تعداد | ۲ | ۳ | ۲۹ | ۱۳ | ۴۷ |
| | درصد | ۴/۲۵ | ۶/۳۸ | ۶۱/۷ | ۲۷/۶۶ | ۱۰۰ |
| | جمعیت | ۹۷۰۹۶۵ | ۳۲۳۳۵۴ | ۷۴۳۱۹۴ | ۳۲۹۷۱ | ۲۰۷۰۴۸۴ |
| | درصد | ۴۶/۸۹ | ۱۵/۶۱ | ۳۵/۸۹ | ۱/۵۹ | ۱۰۰ |
| | رشد | ۲/۳۸ | ۱/۹۴ | ۵/۵۹ | ۶/۳ | ۳/۷۵ |
| ۱۳۸۵ | تعداد | ۲ | ۴ | ۳۰ | ۳۳ | ۶۹ |
| | درصد | ۲/۸۹ | ۵/۸ | ۴۳/۴۷ | ۴۷/۸۲ | ۱۰۰ |
| | جمعیت | ۱۱۱۱۷۲۵ | ۴۷۶۵۸۳ | ۷۸۵۰۳۵ | ۷۰۶۷۳ | ۲۴۴۴۰۱۶ |
| | درصد | ۴۵/۴۸ | ۱۹/۵ | ۳۲/۱۲ | ۲/۸۹ | ۱۰۰ |
| | رشد | ۱/۳۴ | ۲/۳۰ | ۱/۸۶ | ۳/۵۴ | ۱/۶۷ |
| ۱۳۹۰ | تعداد | ۲ | ۵ | ۳۰ | ۳۸ | ۷۵ |
| | درصد | ۲/۶۶ | ۶/۶۶ | ۴۰ | ۵۰/۶۶ | ۱۰۰ |
| | جمعیت | ۱۲۲۵۳۹۲ | ۶۰۲۳۰۴ | ۷۸۲۹۲۶ | ۸۷۲۴۲ | ۲۶۹۷۸۶۴ |
| | درصد | ۴۵/۴۲ | ۲۲/۳۲ | ۲۹ | ۳/۲۳ | ۱۰۰ |
| | رشد | ۲/۳۷ | ۲/۱۵ | ۲/۱۸ | ۳/۵۱ | ۱/۹۹ |
| ۹۰ - ۱۳۵۵ | میانگین رشد | ۲/۹۶ | ۳/۹ | ۴/۶۳ | ۳/۸۳ | ۳/۶۴ |
| پیش‌بینی ۱۴۰۰ | جمعیت | ۱۶۴۰۴۴۰ | ۸۸۸۱۳۴ | ۱۲۳۱۰۷۰ | ۱۲۷۰۴۴ | ۳۸۸۶۶۸۸ |
| | درصد | ۴۲/۲ | ۲۲/۸۵ | ۳۱/۶۷ | ۳/۲۷ | ۱۰۰ |

**منبع: (سرشماری‌های عمومی‌نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰- ۱۳۵۵)**

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

روند بارگذاری و تغییرات جمعیتی شهرهای غرب کلان‌منطقه زاگرس مطابق با جدول ۱ به شرح ذیل می‌باشد:

در سال ۱۳۵۵، غرب کلان‌منطقه زاگرس، دارای ۲۶ شهر بوده که در مجموع، ۷۱۷۲۰۰ نفر جمیعت را در خود جای داده است. از این تعداد تنها شهر بزرگ منطقه؛ یعنی کرمانشاه به تنهایی ۴۱/۴۵ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده است. در این سال، تنها شهر میانی؛ یعنی سنندج با ۱۳/۳ درصد جمعیت منطقه وجود داشته است که اختلاف زیادی با شهر اول آن دارد. شهرهای کوچک با ۷۳ درصد، ۴۳ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده‌اند.

اگرچه تعداد شهرهای کوچک در مقایسه با شهرهای بزرگ و میانی، بیشتر است اما سهم جمعیتی آنها تقریباً به اندازه تنها شهر بزرگ منطقه می‌باشد. روستا - شهرها نیز فقط ۲/۱ درصد جمعیت را دارا بوده‌اند. به طور کلی، سهم جمعیتی و تعداد شهرها در طبقات مختلف شهری، بسیار نامتعادل بوده است.

در سال ۱۳۶۵ تعداد شهرها به ۳۷ شهر و جمعیت نیز با رشد ۷/۲ درصدی به ۱/۴۴۷ میلیون؛ یعنی دو برابر دهه قبل افزایش یافت و شهر کرمانشاه با رشد ۶/۵ درصدی و ۳۸/۷۲ درصد جمعیت، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. تعداد شهرهای میانی در این سال به سه شهر افزایش یافت که شامل شهرهای مراکز استان؛ یعنی سنندج، ایلام و شهر مرکز شهرستان سقز می‌باشند که ۲۵/۹ درصد جمعیت شهری را دارا بوده‌اند. رشد جمعیت شهرهای میانی، بالاترین میزان؛ یعنی ۹/۵۷ درصد بوده که از رشد کشوری، غرب کلان‌منطقه و استان‌های کرمانشاه، کردستان و ایلام، به ترتیب بین ۷ تا ۰/۳ درصد بیشتر و ۲/۸ درصد کمتر بوده است؛ دلیل این کمبود نسبت به ایلام، شکل‌گیری استخوان‌بندی اصلی نظام شهری آن در این دهه با تبدیل ۹ نقطه روستایی به شهر توسط دولت می‌باشد. شهرهای کوچک به ۲۰ شهر افزایش یافتند؛ اما سهم جمعیتی آنها با کاهش ۹ درصدی، به ۳۴ درصد کاهش یافت. تعداد روستا- شهرها به ۲۱/۶ درصد افزایش یافت اما سهم جمعیتی آنها با رشد ۲/۴ درصدی، به ۱/۳۱ درصد (ناچیزترین سهم جمعیتی)، تنزل کرد. به‌طور کلی، بررسی روند تغییرات رشد جمعیت، حاکی از بالا بودن رشد شهرهای میانی، کوچک و بزرگ و ناچیز بودن رشد روستا- شهرها می‌باشد که از بنیه اقتصادی و خدماتی و نیز جمعیت‌پذیری ضعیفی برخوردارند (جداول و نمودارهای ۱، ۲).

در سال ۱۳۷۰ جابه‌جایی‌هایی در بین رده‌ها و طبقات شهری رخ داد. تعداد شهرها به ۳۹ شهر افزایش یافت که شهرهای کوچک با ۷۱/۸ درصد، بالاترین سهم و در مرتبه بعد، روستا- شهرها با ۱۵/۳۸ درصد قرار گرفتند. شهرهای میانی نیز به ۴ شهر افزایش یافتند. در این سال، رشد جمعیت شهر کرمانشاه با ۴/۳ درصد کاهش نسبت به دوره قبل، به ۲/۱ درصد و سهم جمعیتی آن به ۳۵/۴ درصد کاهش یافت، اما به تنهایی با ۳۵/۴ درصد جمعیت شهری منطقه، بیشترین سهم را در خود جای داده است؛ در حالی‌که شهرهای کوچک با ۷۱/۸ درصد و نرخ رشد ۴/۵ درصدی جمعیت، تنها ۳۳/۴۴ درصد؛ یعنی کمتر از نخست‌شهر کرمانشاه جمعیت دارند. سهم تعداد و جمعیت شهرهای میانی با سیر صعودی به ۳۰/۴۴ درصد رسید و آهنگ رشد منظمی را نمایش می‌دهد. تعداد روستا- شهرها، ۱۵/۳۸ درصد بوده و با رشد ۳/۳۲ درصدی جمعیت، سهمشان به ۰/۷ درصد تنزل کرد. بررسی تغییرات رشد جمعیت طبقات شهری منطقه در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد رشد شتابان سال ۱۳۶۵، به تدریج با سیر نزولی، به‌طور محسوسی به کمتر از نصف کاهش یافته است.

در سرشماری سال ۱۳۷۵، تعداد شهرها به ۴۷ شهر افزایش یافت و با ارتقای شهر ۲۷۷/۸ هزار نفری سنندج به طبقه شهری بزرگ، برای اولین بار تعداد شهرهای بزرگ به دو شهر در حدود ۴۷ درصد جمعیت؛ یعنی بالاترین میزان جمعیت این طبقه در کل ادوار سرشماری و بالاترین سهم جمعیتی کل طبقات، افزایش

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

یافت. رشد جمعیت این طبقه نیز ۲/۳۸ درصد بوده که افزایش ناچیزی را نشان می‌دهد. تعداد شهرهای میانی به ۳ شهر و جمعیت آنها به ۱۵/۶ درصد؛ یعنی نصف دوره قبل کاهش یافت. تعداد شهرهای کوچک با ۶۱/۷ درصد، نسبت به دوره قبل حدود ۱۰ درصد کاهش سهم داشته که عمدتاً مربوط به افزایش تقریباً دو برابری تعداد روستا- شهرها، در نتیجه تبدیل روستا به شهر بوده است. جمعیت این شهرها به ۳۵/۸۹ درصد افزایش یافت که هم از لحاظ سهم و هم از لحاظ نرخ رشد (۵/۵ درصد)، سیر صعودی داشته است. تعداد روستا- شهرها نیز در نتیجه تبدیل رسمی تعداد ۷ روستا از سوی دولت به شهر، به ۱۳ مورد ( ۲۷/۶۶ درصد) افزایش یافت و علی‌رغم رشد ۶/۳ درصدی، سهم ناچیز ۱/۶ درصدی جمعیت را داشته و شکاف عظیمی با سایر طبقات شهری به ویژه شهرهای بزرگ و میانی دارند. بررسی تغییرات رشد جمعیتی طبقات شهری در این دوره نشان می‌دهد روستا- شهرها، شهرهای کوچک، بزرگ و میانی به ترتیب با ۶/۳، ۵/۵، ۲/۳، ۱/۹ درصد، بیشترین تا کمترین رشد را تجربه کرده‌اند. رشد جمعیت شهری منطقه نسبت به دوره قبل، ۳/۷ درصد و میانگین رشد جمعیت طبقات شهری معادل ۴ درصد بوده است. اگرچه رشد جمعیت کشور نسبت به دهه قبل اندکی سیر صعودی داشته، اما این منطقه اندکی سیر نزولی را طی کرده که به تفکیک استان‌ها نیز مشهود است.

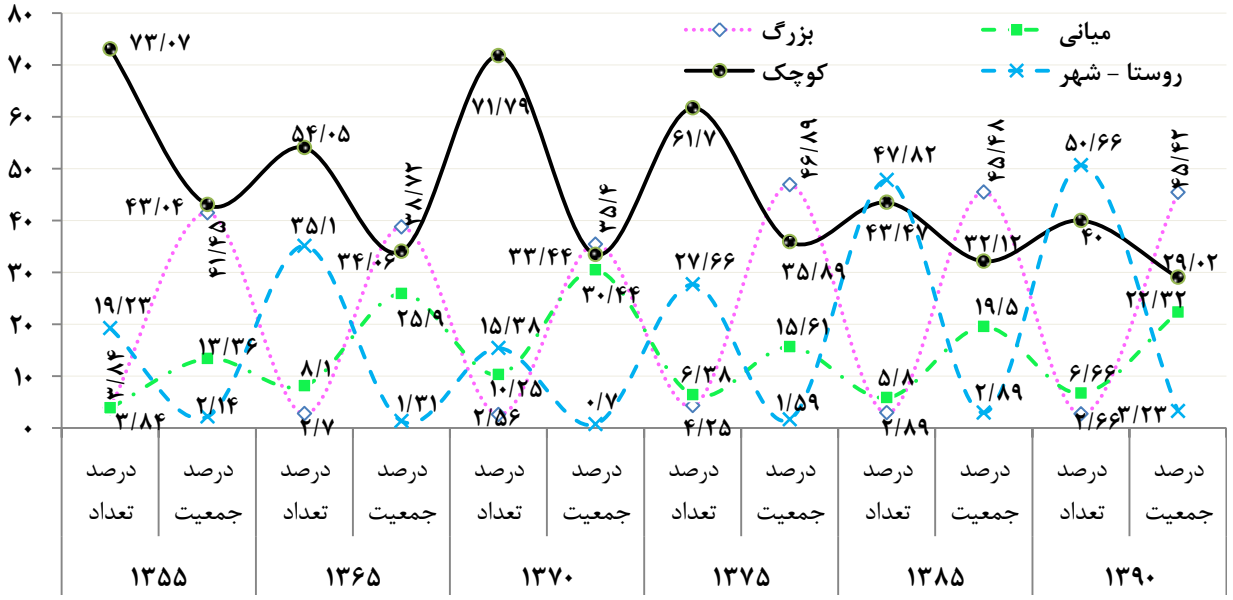


**نمودار ۱- تغییرات سهم تعداد و جمعیت طبقات شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس برحسب درصد در سال‌های ۱۳۹۰- ۱۳۵۵**

**منبع: (مرکز آمار ایران، ۹۰ -۱۳۵۵)**

**جدول ۲- تغییرات مقایسه‌ای رشد جمعیت شهری کشور، منطقه و استان‌های منطقه مطالعاتی در سال‌های ۱۳۹۰- ۱۳۶۵**

| میزان رشد جمعیت- درصد | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| منطقه/ سال | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۵ | ۱۳۸۵ | ۱۳۹۰ | ۱۳۹۰-۱۳۶۵ |
| کشور | ۲/۵ | ۱/۵ | ۱/۹۶ | ۱/۶۱ | ۱/۲۹ | ۲/۱۲ |
| غرب کلان‌منطقه زاگرس | ۷/۲ | ۴ | ۳/۷۵ | ۱/۶۷ | ۱/۹۹ | ۳/۷۲ |
| کرمانشاه | ۵/۶ | ۳/۱۹ | ۲/۸۲ | ۱/۲۹ | ۱/۵۱ | ۲/۸۸ |
| کردستان | ۹/۲۴ | ۴/۵۱ | ۳/۸۲ | ۱/۹۴ | ۲/۸۶ | ۴/۴۷ |
| ایلام | ۱۲/۴۱ | ۶/۶۵ | ۳/۷۳ | ۲/۴۶ | ۱/۵ | ۵/۳۵ |

**منبع: (مرکز آمار ایران، ۹۰-۱۳۶۵)**

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

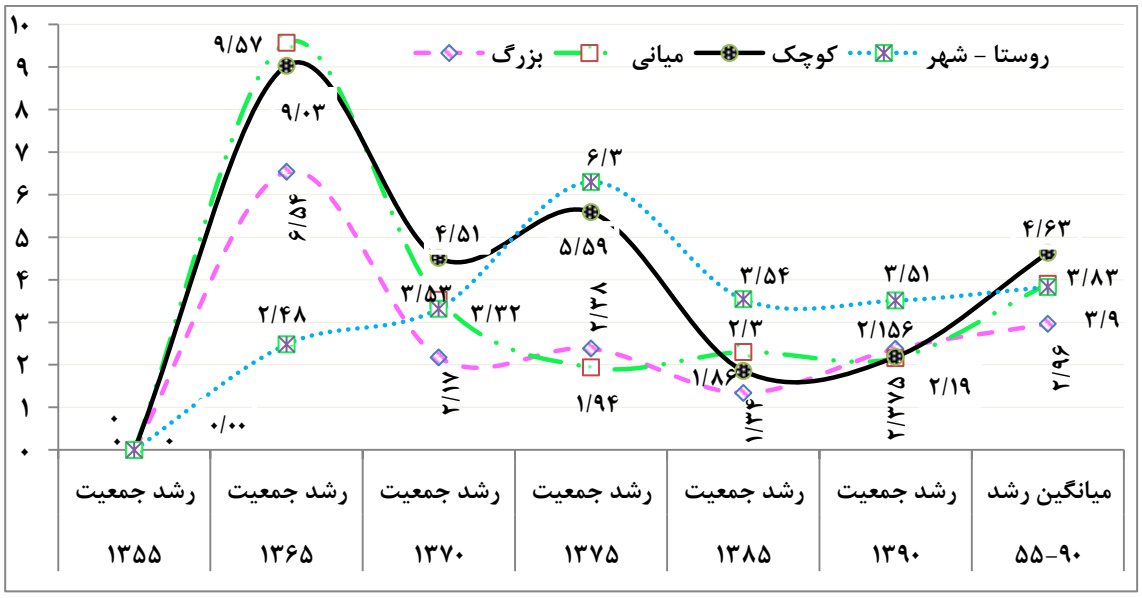


**نمودار ۲- تغییرات رشد جمعیتی طبقات شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس در سال‌های ۱۳۹۰- ۱۳۵۵**

**منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰- ۱۳۵۵)**

در سال ۱۳۸۵، رشد جمعیت شهری منطقه ۱/۶ درصد کاهش و جمعیت آن، ۲/۴۴۴ میلیون نفر افزایش داشته که باز هم شهرهای بزرگ با ۴۵/۴۸ درصد، بیشترین سهم را داشته‌اند. در مقابل روستا- شهرها با ۴۷/۸۲ درصد شهرها تنها ۲/۸ درصد جمعیت، شهرهای کوچک با ۴۳/۴۷ درصد، ۳۲ درصد جمعیت و شهرهای میانی با ۵/۸ درصد، ۱۹/۵ درصد جمعیت شهری منطقه را دارا بوده‌اند. ۲۲ شهر نوتأسیس در این دوره، به نظام شهری منطقه افزوده شد که ۹۱ درصد آنها را روستا- شهرها به خود اختصاص داده‌اند، همچنین شهر کوچک مریوان به طبقه میانی و دو روستای بالای پنج‌هزار نفر، به شهرهای کوچک پیوستند.

بررسی مقایسه‌ای تغییرات رشد جمعیت شهری کشور، منطقه و استان‌ها نشان می‌دهد این شاخص در همه سطوح نسبت به دهه قبل، تنزل داشته است. رشد جمعیت در طبقات شهری نیز به جز شهرهای میانی که از ۱/۹ درصد به۲/۳ درصد افزایش یافته، در دیگر طبقات تنزل کرده؛ چنان‌که رشد کلی جمعیت نسبت به دهه قبل از ۳/۷ درصد به ۱/۶ درصد و میانگین رشد طبقات از ۴ درصد به ۲/۲ درصد؛ یعنی نصف، کاهش یافته است.

در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان آخرین دوره سرشماری، تعداد شهرها به ۷۵ شهر تقریباً با ۲/۶۹۸ میلیون نفر در طبقات مختلف، افزایش یافت. از این تعداد، روستا- شهرها با ۵۰/۶۶ درصد شهرها، تنها ۳/۲۳ درصد جمعیت، شهرهای کوچک با ۴۰ درصد شهرها، ۲۹ درصد جمعیت، شهرهای میانی با ۶/۶۶ درصد شهرها، ۲۲/۳ درصد جمعیت و در نهایت شهرهای بزرگ با حفظ ثبات تعداد، ۲ شهر و به تنهایی ۴۵/۴۸ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص دادند. رشد جمعیت شهری منطقه با نرخ ۱/۹۹ درصدی، روند صعودی داشته و میانگین رشد طبقات شهری با اندکی افزایش، به ۲/۵۵ درصد رسید.

مقایسه رشد جمعیت شهری کشور، منطقه و استان‌ها، نشان می‌دهد که این میزان در منطقه، با ۱/۹۹ درصد، از رشد کشوری (۱/۲۹ درصد) بیشتر می‌باشد. روند رشد جمعیت شهری کردستان که همواره در کل ادوار سرشماری سیر نزولی داشته، با افزایش ۰/۹۲ درصدی نسبت به دوره قبل، بالاترین میزان رشد؛ یعنی ۲/۸۶ درصد را تجربه کرده که ۱/۵۷ درصد از رشد کشوری نیز بیشتر است. البته این اتفاق علاوه‌بر رشد طبیعی یا مهاجرپذیری، معمولاً به دلیل افزایش شهرهای

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]
[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

آن، در نتیجه تبدیل دو روستای کانی‌دینار و بلبان آباد با مجموع ۱۴/۶ هزار نفر به شهر می‌باشد.

به‌طور کلی، با وجود این‌که استقرار و توزیع جغرافیایی- فضایی شهرها در منطقه تقریباً متعادل و متوازن صورت گرفته، اما تحولات شهرنشینی یاد شده، تمرکزها و تراکم‌های شدید جمعیتی در بخش‌های محدودی از منطقه به‌ویژه در نواحی مرکزی را در مقابل تفرق‌ها و پراکندگی‌های جمعیتی بسیار وسیع‌تری از منطقه به ظهور رسانیده که در نتیجه آن، نظام شهری، از تعادل خارج شده و ناهمگونی شبکه شهری بر عرصه منطقه، سایه افکنده است (نقشه ۲).

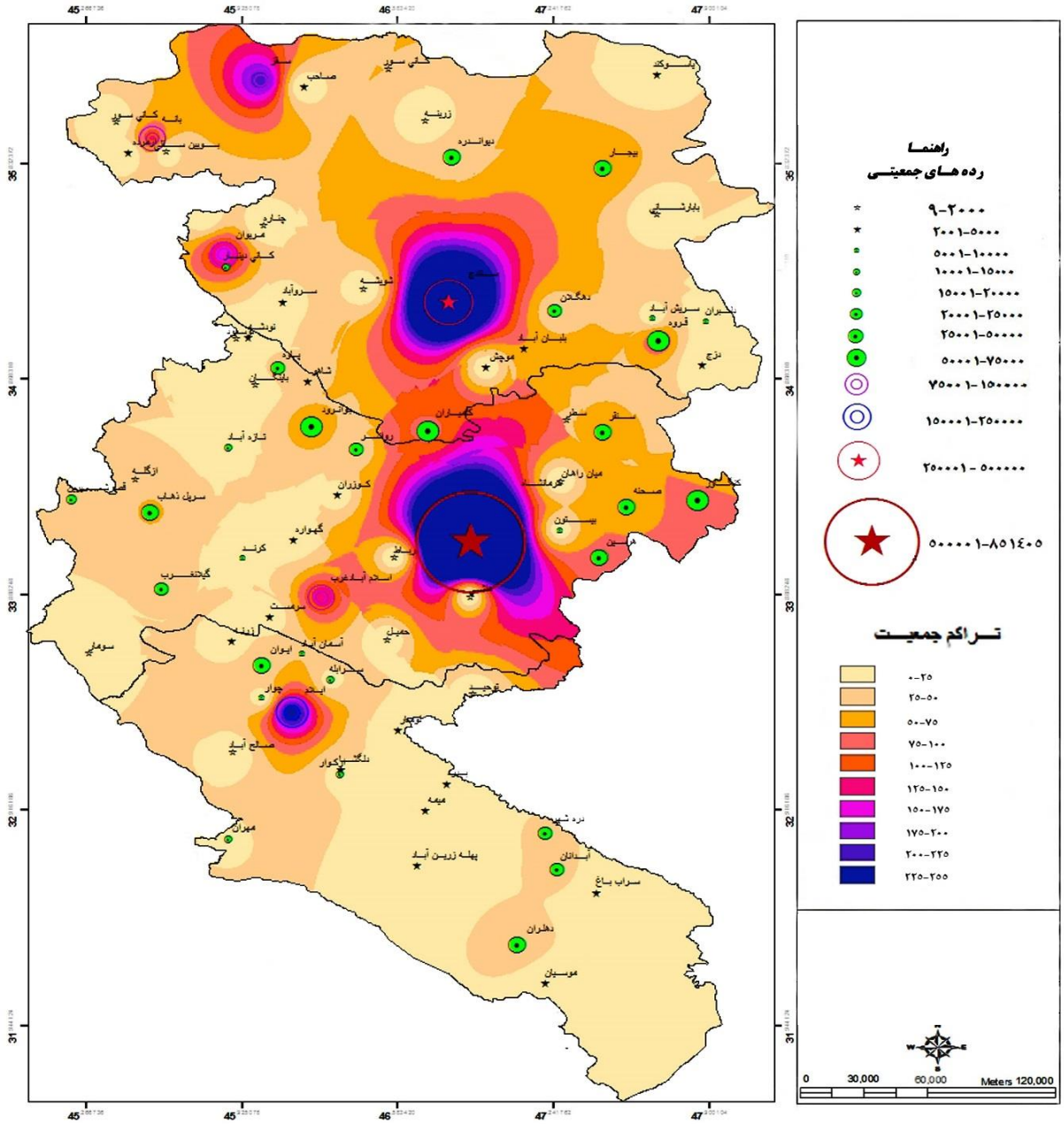


**نقشه ۲- تراکم جمعیت شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس برحسب نفر در هر کیلومترمربع در سال ۱۳۹۰**

**منبع: (یافته‌های تحقیق)**

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

**جدول ۳- تغییرات ضریب شهرنشینی کشور، غرب کلان‌منطقه زاگرس و استان‌های منطقه در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۵۵**

| متغیر | ضریب شهرنشینی | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| منطقه / سال | ۱۳۵۵ | ۱۳۶۵ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۵ | ۱۳۸۵ | ۱۳۹۰ |
| کشور | ۴۷/۰۳ | ۵۴/۳ | ۵۷/۱ | ۶۱/۳ | ۶۸/۵ | ۷۱/۴ |
| غرب کلان‌منطقه زاگرس | ۳۷/۸۳ | ۴۹/۰۵ | ۵۳/۷۵ | ۵۷/۴۷ | ۶۳/۹ | ۶۷/۵۸ |
| کرمانشاه | ۴۶/۰۸ | ۵۶/۱۷ | ۵۹/۴۳ | ۶۲/۱۳ | ۶۸/۲۲ | ۶۹/۷۸ |
| کردستان | ۳۱/۳ | ۴۱/۹۱ | ۴۷/۵ | ۵۲/۴۱ | ۵۹/۴۲ | ۶۶ |
| ایلام | ۱۹/۷۵ | ۴۲/۴۸ | ۵۰/۲۳ | ۵۴/۴ | ۶۱/۱۲ | ۶۴/۶ |

**منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ -۱۳۵۵)**

بررسی تغییرات ضریب شهرنشینی غرب کلان‌منطقه زاگرس با توجه به جدول ۳، به شرح ذیل می‌باشد:

در سال ۱۳۵۵ ضریب شهرنشینی منطقه، ۳۷/۸۳ درصد بوده که از ضریب کشوری حدود ۱۰ درصد کمتر است. این ضریب در استان‌های کرمانشاه، کردستان و ایلام، به ترتیب ۴۶/۰۸، ۳۱/۳ و ۱۹/۷۵ درصد بوده است.

در سال ۱۳۶۵ رشد ضریب شهرنشینی منطقه و استان‌ها، از رشد ضریب کشوری به‌طور قابل‌توجهی بالاتر بوده که حاکی از نقش‌آفرینی بیشتر دولت به‌عنوان بردار اصلی توسعه شهری کشور در این منطقه می‌باشد.

ضریب شهرنشینی منطقه در سال ۱۳۷۰ نیز با افزایش ۴/۷ درصدی، به ۵۳/۷۵ درصد رسید که نسبت به مشابه کشوری، رشد بالاتری داشته است. نقطه عطف این دوره، عبور جمعیت شهرنشین منطقه از مرز ۵۰ درصد است؛ این در حالی است که این نقطه عطف در کشور در سال ۱۳۶۵ و در استان کردستان که روند شهرنشینی نسبتاً کندتری را تا این زمان داشته، در سال ۱۳۷۵ اتفاق افتاده است. در مقیاس استانی، شهرنشینی کرمانشاه در سال ۱۳۶۵ و ایلام در سال ۱۳۷۰، از مرز ۵۰ درصد گذشتند.

ضریب شهرنشینی منطقه در سال ۱۳۷۵ به ۵۷/۴۷ درصد رسید که از ضریب کشوری، ۳/۸ درصد کمتر است. در مقیاس استانی فقط کرمانشاه که نخست‌شهر منطقه در آن واقع شده با ۶۲/۱۳ درصد، از ضریب کشوری بیشتر بوده و این برتری از سال ۱۳۶۵ نیز وجود داشته است. این ضریب در استان‌های کردستان و ایلام، به ۵۲/۴ درصد و ۵۴/۴ درصد افزایش یافته است.

در سال ۱۳۸۵ ضریب شهرنشینی منطقه به ۶۳/۹ درصد رسید که ۴/۶ درصد از ضریب کشوری کمتر است. این ضریب در استان‌های کرمانشاه، ایلام و کردستان، به ترتیب ۶۸/۲، ۶۱/۱ و ۵۹/۴ درصد بوده که کرمانشاه از بالاترین ضریب برخوردار است؛ اما کردستان با ۷ درصد افزایش، بالاترین رشد را داشته است.

در سال ۱۳۹۰، ضریب شهرنشینی منطقه با افزایش ۳/۶۸ درصدی، به ۶۷/۵۸ درصد افزایش یافت که از ضریب کشوری (۷۱/۴ درصد)، به میزان ۳/۸۲ درصد کمتر است. استان ایلام با ۶۴/۶ درصد، کمترین و کرمانشاه با ۶۹/۷۸ درصد، بالاترین ضریب شهرنشینی منطقه را به خود اختصاص داده است ولی بیشترین رشد ضریب شهرنشینی مربوط به کردستان بوده که به ۶۶ درصد رسیده است.

به‌طور کلی ضریب شهرنشینی منطقه، طی ۳۵ سال مورد بررسی، از ۳۷/۸۳ درصد در سال ۱۳۵۵، به ۶۷/۵۸ درصد در سال ۱۳۹۰ (معادل ۱/۸ برابر)، افزایش یافته است (جدول ۳).

ساختارشناسی نظام اشتغال و فعالیت شهرهای غرب کلان‌منطقه زاگرس مطابق با جدول ۴، به شرح ذیل می‌باشد:

در سال ۱۳۷۵، بالغ بر ۴۳۱ هزار نفر از جمعیت شهری منطقه در گروه‌های عمده اقتصادی اشتغال داشته‌اند که ۴/۸ درصد در بخش کشاورزی، ۲۹ درصد

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

در بخش صنعت و ۶۶/۲ درصد در بخش خدمات بوده‌اند. در سال ۱۳۸۵، تعداد شاغلان به ۵۹۵/۹ هزار نفر رسید اما تغییرات قابل ملاحظه‌ای در سهم شاغلان رخ نداد و فقط به میزان ناچیزی اقتصاد منطقه، به سمت خدماتی‌تر شدن جابه‌جا شده است.

در سال ۱۳۹۰، تعداد فعالان اقتصادی منطقه به ۶۰۴/۳ هزار نفر رسید که از این میزان، ۱۰/۳ درصد در بخش کشاورزی، ۲۶/۳ درصد در بخش صنعت و ۶۳/۴ درصد در بخش خدمات، اشتغال داشته‌اند. در این سال به میزان ۵/۵ درصد نسبت به سرشماری‌های قبل، بر اهمیت نقش کشاورزی افزوده شد و سهم بخش‌های صنعت و خدمات، به ترتیب ۱/۹ درصد و ۳/۷ درصد، کاهش یافت و اگرچه فعالیت و اشتغال منطقه هنوز خدماتی است، اما به سمت بازرگانی محدود و چندنقشی حرکت کرده است.

در مجموع، بارگذاری بالایی از فعالیت و اشتغال شهرها در بخش خدمات صورت گرفته و نقش عمومی شهرها، خدماتی می‌باشد و با وجود این‌که در آخرین سرشماری؛ یعنی سال ۱۳۹۰، مقداری از اهمیت نقش خدماتی و حتی به مقدار کمتری، نقش صنعتی شهرها به نفع افزایش سهم و نقش بخش کشاورزی، کاسته شد و تغییر جهت نسبتاً محسوسی در فعالیت و اشتغال، از بخش خدمات به سمت بخش‌های بازرگانی، چندنقشی و تا حدودی کشاورزی اتفاق افتاد؛ اما آنچه که به شکل غالب بر فعالیت و اشتغال منطقه سایه افکنده، سهم بسیار بالای شاغلان بخش خدمات در تمام ادوار مورد بررسی بوده؛ به‌طوری‌که هیچ‌گاه از مرز ۶۳ درصد پایین‌تر نیامده و به نوعی، منجر به تضعیف نظام تولیدی در بخش‌های پایه‌ای کشاورزی و صنعت شده و پویایی و پایداری اقتصادی منطقه را تا حدودی آسیب‌پذیر کرده است (جدول ۴ و نقشه ۲).

**جدول ۴- تغییرات سهم اشتغال طبقات شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس در گروه‌های عمده فعالیت در سال‌های ۱۳۹۰- ۱۳۷۵**

| طبقات شهری | ۱۳۷۵ | | | | | | ۱۳۸۵ | | | | | | ۱۳۹۰ | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | کشاورزی | | صنعت | | خدمات | | کشاورزی | | صنعت | | خدمات | | کشاورزی | | صنعت | | خدمات | |
| | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد | تعداد | درصد |
| بزرگ | ۵۲۳۴ | ۲/۵ | ۵۸۹۸۸ | ۲۸/۲ | ۱۴۵۱۴۶ | ۶۹/۳ | ۶۱۱۰ | ۲/۲ | ۷۷۷۶۷ | ۲۸ | ۱۹۳۷۶۴ | ۶۹/۸ | ۱۴۹۰۱ | ۵/۴۵ | ۷۵۹۸۹ | ۲۷/۷ | ۱۸۳۳۲۰ | ۶/۸۵ |
| جمع | ۲۰۹۳۶۸ | | | | | | ۲۷۷۶۴۱ | | | | | | ۲۷۴۲۱۰ | | | | | |
| درصد | ۴۸ | | | | | | ۴۶/۶ | | | | | | ۴۵/۳۷ | | | | | |
| ۴۶/۶ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی شهرهای بزرگ ۹۰-۷۵) | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| میانی | ۲۵۸۶ | ۳/۹ | ۲۰۹۹۸ | ۳۱/۷ | ۴۲۶۳۳ | ۶۴/۴ | ۳۳۴۹ | ۲/۹ | ۳۵۱۹۸ | ۳۰/۳ | ۷۷۵۶۱ | ۶۶/۸ | ۹۷۱۰ | ۷/۳ | ۳۸۲۴۶ | ۲۸/۵ | ۸۶۰۵۸ | ۶۴/۲ |
| جمع | ۶۶۲۱۷ | | | | | | ۱۱۶۱۰۸ | | | | | | ۱۳۴۰۱۴ | | | | | |
| درصد | ۱۵/۳۶ | | | | | | ۱۹/۴۸ | | | | | | ۲۲/۱۸ | | | | | |
| ۱۹ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی شهرهای میانی ۹۰-۷۵) | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| کوچک | ۱۲۰۱۱ | ۸ | ۴۳۷۱۴ | ۲۹/۳ | ۹۳۵۰۹ | ۶۲/۷ | ۱۴۳۹۷ | ۷/۷ | ۵۱۲۲۰ | ۲۷/۷ | ۱۱۹۸۱۲ | ۶۴/۶ | ۲۹۴۸۱ | ۱۷ | ۴۰۵۵۴ | ۲۳ | ۱۰۴۲۸۴ | ۶۰ |
| جمع | ۱۴۹۲۳۴ | | | | | | ۱۸۵۴۲۹ | | | | | | ۱۷۴۳۱۹ | | | | | |
| درصد | ۳۴/۶۲ | | | | | | ۱۳/۱۲ | | | | | | ۲۸/۸۵ | | | | | |
| ۳۱ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی طبقه شهری کوچک ۹۰- ۷۵) | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| روستا - شهر | ۸۷۵ | ۱۴ | ۱۱۷۸ | ۱۹ | ۴۱۶۹ | ۶۷ | ۴۲۵۵ | ۲۵/۵ | ۳۷۶۶ | ۲۲/۵ | ۸۶۵۴ | ۵۲ | ۸۰۶۵ | ۳۷ | ۴۴۱۸ | ۲۰/۳ | ۹۲۷۹ | ۴۲/۷ |
| جمع | ۶۲۲۲ | | | | | | ۱۶۶۷۵ | | | | | | ۲۱۷۶۲ | | | | | |
| درصد | ۱/۴۵ | | | | | | ۲/۸ | | | | | | ۳/۶ | | | | | |
| ۲/۶ درصد (میانگین کل اشتغال‌سازی روستا - شهرها ۹۰- ۷۵) | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
| جمع کل طبقات | ۲۰۷۰۶ | ۴/۸ | ۱۲۴۸۷۸ | ۲۹ | ۲۸۵۴۵۷ | ۶۶/۲ | ۲۸۱۱۱ | ۴/۷ | ۱۶۷۹۵۱ | ۲۸/۲ | ۳۹۹۷۹۱ | ۶۷/۱ | ۶۲۱۵۷ | ۱۰/۳ | ۱۵۹۲۰۷ | ۲۶/۳ | ۳۸۲۹۴۱ | ۶۳/۴ |
| | ۴۳۱۰۴۱ | | | | | | ۵۹۵۸۵۳ | | | | | | ۶۰۴۳۰۵ | | | | | |

**منبع: (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰ -۱۳۷۵)**

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

**ساختار اشتغال و نقش اقتصادی طبقات شهری**

در سال‌های ۷۵، ۸۵ و ۹۰، در میانگین دوره‌ها، شهرهای بزرگ ۴۶/۶ درصد، کوچک ۳۱ درصد، میانی ۱۹ درصد و روستا- شهرها ۲/۶ درصد، مجموع شاغلان بخش‌های سه‌گانه اقتصادی را در خود بارگذاری کرده‌اند. به عبارتی، شهرهای بزرگ که فقط ۲/۶ درصد شهرها را شامل می‌شوند، به تنهایی ۱۳ درصد بیشتر از مجموع شهرهای کوچک و روستا- شهرهای منطقه که ۹۰/۶ درصد شهرها را شامل می‌شوند، اشتغال‌سازی کرده‌اند یا مجموع شهرهای بزرگ و میانی که حدود ۹ درصد شهرها هستند، ۶۵/۶ درصد اشتغال منطقه را در خود بارگذاری کرده که ۳۲ درصد از سهم کل اشتغال شهرهای کوچک و روستا- شهرها نیز بیشتر است.

از نکات قابل توجه این‌که نظام فعالیت و اشتغال و به‌طورکلی نظام اقتصادی منطقه، از لحاظ توزیع و بارگذاری فعالیت در بین طبقات و رده‌های شهری، با تسلط شهر بزرگ کرمانشاه با برخی ناهماهنگی روبه‌رو می‌باشد. به عبارتی، شهرهای بزرگ و برتر نظام شهری و در مرتبه بعد شهرهای میانی، حداکثر امکانات، فعالیت‌ها و ظرفیت‌های اشتغال با محوریت و تسلط بخش خدمات را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، طبقات شهری کوچک و به‌خصوص روستا- شهرها علی‌رغم اختصاص سهم ۹۰/۶ درصدی شهرها، از حداقل ظرفیت‌ها و توان اشتغال‌سازی و امکانات برخوردارند؛ لذا در حوزه اقتصادی نیز روستا- شهرها و بخش عمده‌ای از شهرهای کوچک، با ناپایداری‌های اقتصادی مواجه هستند که در تعادل‌های جمعیتی، فضایی و اقتصادی، تأثیر منفی دارند (جدول۴). در واقع بین عدم‌تعادل و ناموزونی در بارگذاری فعالیت و ظرفیت اشتغال‌سازی، با عدم‌تعادل در بارگذاری جمعیت و توزیع فضایی آن، رابطه مستقیمی وجود دارد و هر چه‌قدر شهرها بزرگ‌تر و با اهمیت‌تر باشند، از ظرفیت اشتغال‌سازی بیشتر و سطح خدماتی و تولیدی بالاتری نیز برخوردار هستند.

بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال طبقات شهری به تفکیک بخش‌های سه‌گانه اقتصادی منطقه نیز نشان می‌دهد در بخش کشاورزی بین سال‌های ۷۵ تا۹۰، شهرهای کوچک با ۵۲/۲ درصد، شهرهای بزرگ با ۲۳/۶ درصد، شهرهای میانی با ۱۳/۳درصد و روستا- شهرها با ۱۰/۷ درصد، به ترتیب بیشترین و کمترین میانگین سهم اشتغال‌سازی بخش کشاورزی را دارا بوده‌اند.

در بخش صنعت و به‌طور میانگین ادوار سرشماری، شهرهای بزرگ با ۴۷ درصد، شهرهای کوچک با ۳۰/۳ درصد، شهرهای میانی با ۲۰/۶ درصد و روستا- شهرها با ۲ درصد، به ترتیب بیشترین تا کمترین فعالان این بخش مولد در بین طبقات شهری را در خود بارگذاری کرده‌اند؛ به‌طوری‌که در دو شهر بزرگ کرمانشاه و سنندج، به تنهایی به اندازه ۹۳ درصد شهرها شامل: تمام شهرهای کوچک، روستا- شهرها و نیز تعدادی از شهرهای میانی، ظرفیت‌سازی فعالیت و اشتغال در بخش صنعت به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل جاذبه و جمعیت‌پذیری، صورت گرفته و می‌توان یکی از عوامل ناپایداری یا رشد کند شهرنشینی و جمعیت‌پذیری شهرهای یاد شده را در عدم‌تعادل‌ها و ضعف یا کمبود زیرساخت‌های اشتغال به طور اعم و اشتغال صنعتی به طور اخص دانست که مهاجرت‌های مستقیم از شهرهای کوچک و روستا- شهرها به مراکز بزرگ شهری را نیز موجب شده است.

در این دوره شهرهای بزرگ، کوچک، میانی و روستا- شهرها، به ترتیب ۴۹ درصد، ۳۰ درصد، ۱۹ درصد و ۲ درصد، بیشترین تا کمترین سهم میانگین مجموع فعالان بخش خدمات منطقه در ادوار سرشماری را به خود اختصاص داده‌اند.

به‌طور کلی، اگرچه تغییرات و تعدیل‌هایی در روند اشتغال‌سازی و فعالیت منطقه در راستای تقویت شهرهای میانی و به مقدار خیلی ناچیز در روستا- شهرها صورت گرفته؛ اما آنچه مسأله‌ساز است، عدم‌تعادل و توزان در بارگذاری شاغلان بخش‌های اقتصادی در بین طبقات شهری است که حاکی از عدم‌توزیع مناسب و

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

متعادل زیرساخت‌ها و فرصت‌های اشتغال صنعتی- تولیدی و خدماتی و نیز تمرکزگرایی فعالیت و اشتغال در منطقه است (جدول ۵).

**جدول ۵- تغییرات مقایسه‌ای سهم اشتغال طبقات شهری به تفکیک بخش‌های سه‌گانه اقتصادی ۹۰- ۱۳۷۵**

| طبقات شهری | ۱۳۷۵ | | | ۱۳۸۵ | | | ۱۳۹۰ | | | میانگین دوره‌ها | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | کشاورزی | صنعت | خدمات | کشاورزی | صنعت | خدمات | کشاورزی | صنعت | خدمات | کشاورزی | صنعت | خدمات |
| بزرگ | ۲۵/۲۷ | ۴۷/۲۳ | ۵۰/۸۵ | ۲۱/۷۳ | ۴۶/۳ | ۴۸/۴۶ | ۲۴ | ۴۷/۷۵ | ۴۷/۸۷ | ۲۳/۶ | ۴۷ | ۴۹ |
| میانی | ۱۲/۵ | ۱۶/۸۲ | ۱۴/۹۴ | ۱۱/۹۲ | ۲۰/۹۵ | ۱۹/۵ | ۱۵/۶ | ۲۴ | ۲۲/۴۷ | ۱۳/۳۴ | ۲۰/۶ | ۱۹ |
| کوچک | ۵۸ | ۳۵ | ۳۲/۷۵ | ۵۱/۲۲ | ۳۰/۵ | ۲۹/۹۶ | ۴۷/۴ | ۲۵/۵ | ۲۷/۲۳ | ۵۲/۲ | ۳۰/۳ | ۳۰ |
| روستا-شهر | ۴/۲۲ | ۰/۹۵ | ۱/۴۶ | ۱۵/۱۳ | ۲/۲۵ | ۲/۱۶ | ۱۳ | ۲/۸ | ۲/۴۳ | ۱۰/۷۸ | ۲ | ۲ |
| درصد | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ |
| جمع تعداد | ۲۰۷۰۶ | ۱۲۴۸۷۸ | ۲۸۵۴۵۷ | ۲۸۱۱۱ | ۱۶۷۹۵۱ | ۳۹۹۷۹۱ | ۶۲۱۵۷ | ۱۵۹۲۰۷ | ۳۸۲۹۴۱ | ۳۶۹۹۱ | ۱۵۰۶۷۸ | ۳۵۶۰۶۳ |

**منبع: (مرکز آمار ایران، ۹۰ -۱۳۷۵)**

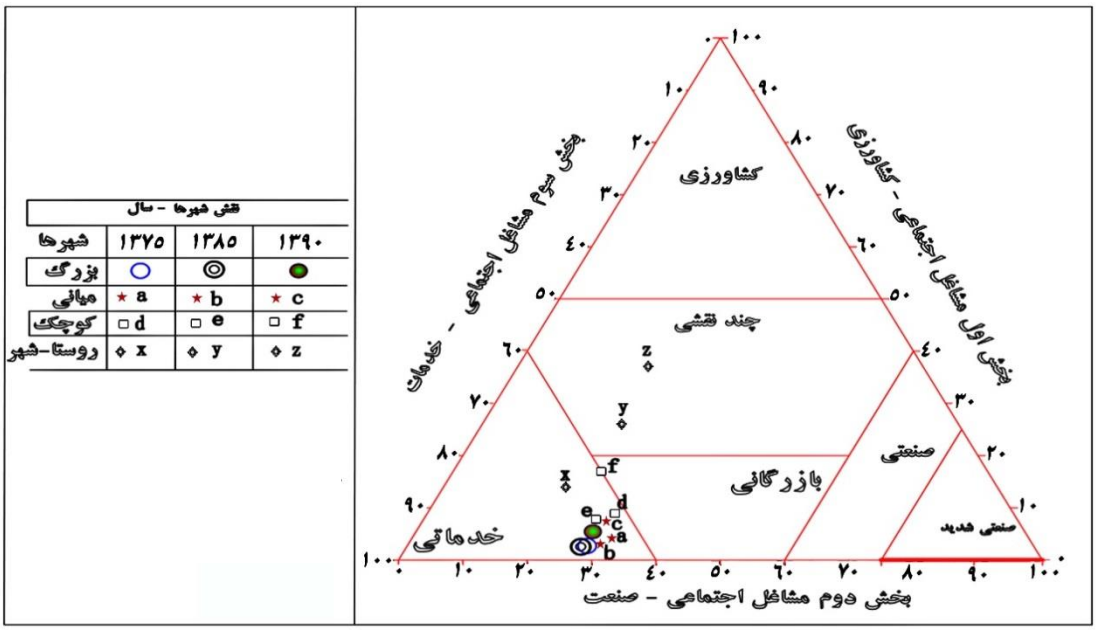


**شکل ۱- تغییرات نقش اقتصادی طبقات شهری غرب کلان‌منطقه زاگرس در سال‌های ۹۰ -۱۳۷۵**

**منبع: (یافته‌های تحقیق)**

بررسی تغییرات بخش‌های سه‌گانه اقتصادی در هر طبقه شهری در سال‌های ۷۵ تا۹۰ نیز نشان می‌دهد از مجموع شاغلان طبقه شهری بزرگ، به‌طور میانگین ۳/۳ درصد در بخش کشاورزی، ۲۸ درصد در بخش صنعت و ۶۸/۶ درصد در بخش خدمات، فعالیت داشته‌اند. در این طبقه به واسطه شهر بزرگ کرمانشاه، نقش خدماتی در مقایسه با دیگر طبقات شهری، بیشترین و نقش کشاورزی کمترین میزان را به خود اختصاص داده و البته نقش صنعت نیز بعد از خدمات نسبتاً پررنگ می‌باشد. اما در سال ۱۳۹۰ با کاهش سهم بخش‌های خدمات و صنعت، حدود دو برابر دوره‌های قبل بر اهمیت نقش کشاورزی افزوده شده؛ ولی تسلط شدید بخش خدمات در شهرهای بزرگ مشهود است (شکل ۱).

تعداد فعالان عمده شهرهای میانی در سال ۱۳۸۵، حدود دو برابر دهه قبل افزایش یافت و نقش خدماتی شهرها در سایه کاهش سهم بخش‌های کشاورزی و

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]
[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

صنعت، شدیدتر شده است. اما در سال ۱۳۹۰ با افزایش ۴/۲ درصدی بخش کشاورزی، بر اهمیت این بخش افزوده شد. نقش شهرهای میانی در سال ۱۳۸۵ ابتدا به سمت خدماتی شدید و سپس در سال ۱۳۹۰ در جهت چندنقشی، تغییر عملکرد داده‌اند. به‌طور کلی، از مجموع شاغلان شهرهای میانی، به‌طور میانگین بخش کشاورزی ۴/۷ درصد، صنعت ۳۰ درصد و خدمات ۶۵ درصد را به خود اختصاص داده و نقش این شهرها خدماتی است.

شهرهای کوچک منطقه در سال ۱۳۷۵ نقش خدماتی داشته که در سال ۱۳۸۵ تشدید شده و از اهمیت دیگر بخش‌ها نیز کاسته شده است. در سال ۱۳۹۰ نسبت به قبل، ۱۰ درصد بر اهمیت نقش کشاورزی افزوده شده و نقش اقتصادی آنها، از خدماتی بالا در سال‌های ۷۵ و ۸۵ به مرز خدماتی- بازرگانی در این سال جابه‌جا شده است. از کل شاغلان بخش‌های سه‌گانه اقتصادی، شهرهای کوچک در سال‌های مورد بررسی، به‌طور میانگین ۱۱ درصد در بخش کشاورزی، ۲۶/۶ درصد در بخش صنعت و ۶۲/۴ درصد در بخش خدمات اشتغال داشته‌اند (جدول ۴ و شکل ۱).

همچنین در سال ۹۰ بالغ بر ۱۱ هزار نفر از فعالان اقتصادی، از شهرهای کوچک خارج شده‌اند که ناشی از تکمیل و سرریز ظرفیت اشتغال‌سازی شهرهای کوچک عمدتاً اداری- سیاسی منطقه بوده که متأثر از الزامات ساختاری نیرو محرکه اصلی توسعه این شهرها می‌باشد که همواره یک یا دو دهه پس از تبدیل این نقاط از روستا به شهر، ظرفیت اشتغال آنها مخصوصاً در بخش خدمات (عمدتاً اداری- تجاری) تکمیل شده و ناپایداری اقتصادی و سپس مهاجرت به شهرهای میانی و به ویژه بزرگ منطقه یا کلان‌شهرهای ملی، در پی کسب فرصت‌های بهتر اشتغال و درآمد را به دنبال دارد.

در سال ۹۰ در روستا- شهرها، ۳۷ درصد در بخش کشاورزی، ۲۰/۳ درصد در بخش صنعت و ۴۲/۷ درصد در بخش خدمات فعالیت داشته‌اند. سهم شاغلان خدمات در سال‌های مورد بررسی، ۲۴/۳ درصد کاهش یافته تا آنجا که نقش اقتصادی آنها از خدماتی بالا در سال ۷۵، به چندنقشی با جهت‌گیری به سمت کشاورزی در سال ۹۰ تغییر یافته است. سهم بخش کشاورزی با رشد ۲/۶ برابری و افزایش ۲۳ درصدی نسبت به سال ۱۳۷۵، روند صعودی و سهم قابل‌توجهی را در مقایسه با دیگر طبقات به خود اختصاص داده و بر اهمیت آن افزوده شده است. همچنین در این شهرها به‌طور میانگین ادوار سرشماری، ۲۵/۵ درصد در کشاورزی، ۲۰/۶ درصد در صنعت و ۵۴ درصد در بخش خدمات، اشتغال داشته‌اند. در واقع تا حدودی نقش اقتصادی روستا- شهرها، نقطه مقابل نقش اقتصادی شهرهای بزرگ در بخش‌های سه‌گانه می‌باشد (جدول ۵ و شکل ۱).

## ۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

غرب کلان منطقه زاگرس، نظام شهری ویژه‌ای دارد. به استثنا اندک شهرهای بزرگ و میانی (۹ درصد شهرها)، ۹۱ درصد نقاط شهری، شبکه‌ای متشکل از شهرهای کوچک و روستا- شهرها هستند که به گونه‌ای موزون در بستر جغرافیایی منطقه استقرار یافته‌اند. به علاوه، این شهرها دارای ظرفیت‌های بالقوه مناسبی برای ایجاد توازن و در نتیجه، برابری و توسعه منطقه‌ای در الگوی تمرکزگرای کنونی منطقه است. علی‌رغم استقرار متوازن، ظرفیت‌ها و اولویت‌های توسعه، تاکنون عملکرد چندانی در توسعه متوازن منطقه‌ای انجام نشده و روند تغییرات شاخص‌های جمعیت و اشتغال شهرهای کوچک نیز مؤید این نکته است. کم‌توجهی به نقش و جایگاه واقعی شهرهای کوچک، به استمرار روندهای تمرکزگرایی گذشته در سطوح بالای نظام شهری انجامیده و از این طریق سیاست توسعه منطقه‌ای با رویکرد شهرهای کوچک که عمدتاً حاصل تبدیل نقاط روستایی به شهر بوده است، بدون برقراری پیوند قوی میان اقتصاد شهری با اقتصاد منطقه‌ای، برای فعال کردن پتانسیل‌های بومی، نتوانسته الگوی چندان موفق و کارآمدی از توسعه و توازن منطقه‌ای به وجود آورد.

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

راهکارهای زیر به‌عنوان اولویت‌های اقدام برای توسعه شهری- منطقه‌ای غرب کلان‌منطقه زاگرس براساس استراتژی شهرهای کوچک پیشنهاد می‌شوند:

- ماهیت و موجودیت شهرهای کوچک به‌عنوان کانون‌های اجتماعی سکونت، برای پاسخ به نیازهای متنوع گروه‌های انسانی در نظر گرفته شود و براساس این باور، سازماندهی گردد. برنامه‌ریزی شهرهای کوچک به‌عنوان مراکز اداری و سیاسی یا عناصر نظم صوری فضا، فرصت‌های رشد محدودی به شهرهای کوچک منتقل می‌کند. بنابراین، ایجاد و تقویت زیرساخت‌های خدماتی، رفاهی و عمومی شهرهای سطح دوم، سوم و چهارم که معمولاً شهرهای کوچک مراکز شهرستان‌های نوپا، بخش و دهستان هستند، یک اقدام و نیازی کلیدی برای ظرفیت‌سازی جمعیتی، رقابت‌پذیری توسعه و در نتیجه، تعدیل سلطه در نظام شبکه شهری به شمار می‌رود.

- ایجاد و تقویت زیرساخت‌های ارتباطی، تولیدی و اشتغال در بخش‌های صنعت و کشاورزی برای استفاده از ظرفیت‌های بالقوه مرزی و گمرکی منطقه، وجود ۹۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق و پایانه‌های مرزی موجود و در حال احداث (پایانه‌های مهران، پرویزخان، باشماق و احداث پایانه‌های جدید مرزی در دهلران، سومار، بانه و مریوان) و نیز ارتقای برخی پایانه‌های گمرکی موجود به منطقه آزاد تجاری، برخی ظرفیت‌های مرزی برای فعال کردن شهرهای کوچک به‌عنوان کانون‌های جمعیت و فعالیت منطقه‌ای است.

- انتقال جریان‌ها و شریان‌های توسعه به شهرهای کوچک باید با ایجاد محدودیت سرمایه‌گذاری، صنعتی‌سازی و تمرکزگرایی جدید در شهرهای بزرگ‌تر به منظور تقویت بنیان‌های اقتصادی و جمعیتی شهرهای کوچک همراه باشد. واضح است بدون تغییر در مجاری و منابع توسعه و جریان‌های سلطه و تمرگزگرایی کنونی که در مضامین اقتصاد و مازاد ملی وجود دارد، دستیابی به توازن و توسعه منطقه‌ای با توسل به استراتژی شهرهای کوچک، بسیار دشوار یا غیرممکن خواهد بود.

## ۷- منابع


اجلالی، پرویز. (۱۳۷۱). *تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونتگاه‌ها*، معاونت امور مناطق مجلس، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، تهران.

ارجمندنیا، اصغر. (۱۳۷۰). *نظام اسکان جمعیت و نقش شهرهای میانی*، مجموعه مقالات سمینار جمعیت و توسعه، سازمان برنامه و بودجه.

اردشیری، مهیار. (۱۳۷۰). *نقش شهرک‌های جدید در توازن منطقه‌ای*، دانشگاه شیراز، بخش شهرسازی.

بختیاری، سعید. (۱۳۷۸). *اطلس کامل گیتاشناسی*، دوره دوم، چاپ سیزدهم، تهران: گیتاشناسی.

تقی‌زاده، فاطمه. (۱۳۸۳). *نقش بازارهای محلی در پیوندهای روستایی- شهری با تأکید بر تعادل‌های منطقه‌ای*، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.

توفیق، فیروز. (۱۳۷۱). *طرح‌ریزی کالبدی در ایران و محورهای اصلی آن*، مجموعه مقالات طرح‌ریزی کالبدی ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

خداداد، مهدی؛ نخعی، مهدیه؛ امیدزاده، هانیه. (۱۳۹۳). نقش شهرهای کوچک در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان گلستان)، *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ۶(۲۱)، ۹۰-۷۷.

روستایی، شهریور؛ باقری، محمد. (۱۳۸۹). بررسی عملکرد شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان رزن)، *فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس*، ۲(۴)، ۲۱-۵.

زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۳). *اندازه شهر*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.

سازمان نقشه‌برداری کشور، فایل نقشه ماهواره‌ای یکپارچه کشور ایران در فرمت GIS. (۱۳۹۴).

ساعی ارسی، ایرج. (۱۳۸۹). پرسمان‌های اقتصادی- اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری، *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*، ۵(۲)، ۹۷-۶۹.

شکویی، حسین. (۱۳۷۴). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، تهران: سمت.

علی‌اکبری، اسماعیل. (۱۳۹۰). *ساختارشناسی بردارهای شهرنشینی در ایران*، تهران: مهکامه.


[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]

فتحی، الهام. (۱۳۸۱). تحولات جمعیت ایران در دهه اخیر، *هفته‌نامه برنامه، ۷*(۷۰۷).

فرجی دارابخانی، محمد. (۱۳۸۴). *مکانیزم‌های توسعه شهری در سرابله*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تهران.

فرهودی، رحمت‌اله؛ محمدی، اکبر. (۱۳۸۵). تحلیل و پیش‌بینی وضعیت اشتغال در شهر سنندج با استفاده از مدل تغییر سهم ضریب مکانی و ضریب جینی، *پژوهش‌های جغرافیایی، ۳۸*(۵۵)، ۲۰۲-۱۸۹.

فرید، یدالله. (۱۳۹۰). *جغرافیا و شهرشناسی*، چاپ چهارم، تبریز: دانشگاه تبریز.

فنی، زهره. (۱۳۸۲). *شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای*، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.

محمدزاده، زهرا. (۱۳۹۱). *بررسی وضعیت شهرهای کوچک در سلسله‌مراتب شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۸*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه یزد.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰- ۱۳۵۵). *نتایج تفصیلی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن.*

مهندسین مشاور ستیران. (۱۳۵۴). شناسایی نقاط گرهی، سازمان برنامه و بودجه.

نظریان، اصغر. (۱۳۷۸). *طرح مطالعاتی جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ملی*، دانشگاه تربیت معلم.

هیلهورست، ژوزف. (۱۳۷۰). *برداشتی سیستمی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ترجمه غلامرضا شیرازیان، مرضیه صدیقی و ابوالقاسم حسینیون، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

Blowers, A. (2013). *Planning for a sustainable environment*. Routledge.

Douglass, M. (1998). A regional network strategy for reciprocal rural-urban linkages: an agenda for policy research with reference to Indonesia. *Third World Planning Review, 20*(1), 1.

Hinderink, J., & Titus, M. (2002). Small towns and regional development: Major findings and policy implications from comparative research. *Urban studies, 39*(3), 379-391.

Hinrey, N. (2007). Small towns and urban planning in developing country, *urban studies, 33*(946).

Kamanda, U. (2007). *Concept of urban Centers and Small Town in Latin*, America: Brazilia.

Kwiatek-Sołtys, A. (2011). Small towns in Poland-barriers and factors of growth. *Procedia-Social and Behavioral Sciences, 19*, 363-370.

Lu, H., & Campbell, D. E. (2009). Ecological and economic dynamics of the Shunde agricultural system under China's small city development strategy. *Journal of Environmental Management, 90*(8), 2589-2600.

Rural Economic Development Center. (2006). *North Carolina Small Towns Initiative*.

Soliman, A. M. (2004). Regional planning scenarios in South Lebanon: the challenge of rural–urban interactions in the era of liberation and globalization. *Habitat International, 28*(3), 385-408.

Tacoli, C. (2004). The role of small and intermediate urban centres and market towns and the value of regional approaches to rural poverty reduction policy.

[ Downloaded from iueam.ir on 2026-11-19 ]

[ DOR: 20.1001.1.23452870.1395.5.17.4.6 ]